

ساکنِ خیابانِ ایران

مسائل و بحال‌های دینداری در جمهوری اسلامی

محسن حسام‌مظاهری



نشر ایسا

۱۳۹۸

سرشناسه	مظاهری، محسن حسام، ۱۳۶۱ -
عنوان و نام پدیدآور	ساکن خیابان ایران، مسایل و چالش‌های دینداری در جمهوری اسلامی / محسن حسام مظاهری.
مشخصات نشر	اصفهان: آرما، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری	۱۵۵ ص، ۲۱/۵×۱۴/۵، س.م.
فروست	کتاب‌های سرو (مطالعات فرهنگ شیعی) ۲۱ / دبیر مجدوعه محسن حسام مظاهری.
شابک	۳۰۰۰۰ ریال ۲-۳۳-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی	فیبیا
موضوع	اسلام و دولت -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Iran -- History -- Islam and state -- ۲th century
موضوع	شیعه و سیاست -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Iran -- History -- Shi'ah and politics -- ۲th century
موضوع	دین و فرهنگ -- ایران -- تاریخ -- قرن ۱۴
موضوع	Iran -- History -- Religion and culture -- ۲th century
موضوع	ایران -- تاریخ -- جمهوری اسلامی، ۱۳۵۸ -
موضوع	Iran -- History -- Islamic Republic -- ۱۹۷۹ -
رده بندی کنگره	۳۹۷ س ۶/۲۳۲۱ BP
رده بندی دیویی	۹۷/۲۸
شماره کتابشناسی ملی	۰۵۸۱۲



ساکن خیابان ایران مسایل و چالش‌های دینداری در جمهوری اسلامی

محسن حسام مظاهری

طراحی و صفحه‌آرایی: گروه فرهنگی هنری مسک

شابک: ۲-۳۳-۸۶۷۹-۶۰۰-۹۷۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه / نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸ / قیمت ۳۰۰۰ تومان

کلیه‌ی حقوق محفوظ و مخصوص نشر آرما است.

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن (به هر صورت از قبیل کاغذی، الکترونیکی و صوتی)

بدون اجازه‌ی مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست

- مقدمه ● ۱
- برزخ آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی: جمهوری اسلامی و دوگانه‌ی فارابی -
ابن‌خلدون (۱۷) ●
- شمال مردانه - شمال زنانه: ز البرز تا خزر ● ۳۷
- دینداری مردانه و زنان شبه‌شیعه ● ۴۹
- تکثیر «خیابان ایران»: کلونی‌های دین‌داری و سیاست بقا ● ۵۷
- کشایش یا تنگنا: وضعیت متناقض دینداری در حکومت دینی ● ۶۵
- رشد تشیع: سخت‌افزاری یا نرم‌افزاری؟ ● ۷۳
- «تشیع مردمی» و «تشیع نخبگانی»: از تقابل تا تقابل ● ۷۷
- مرجعیت مذهبی جمهوری اسلامی در کشاکش قم و تهران ● ۸۳
- آخرالزمان شیعی و الاهیات سیاسی جمهوری اسلامی ● ۹۳
- گذار از «وحدت» مذهبی به «تعایش» اجتماعی: ضرورت صورت‌بندی جدید در
مسأله‌ی تعامل شیعه/سنی ● ۱۰۵
- وحدت آمرانه: از نادرشاه تا جمهوری اسلامی ● ۱۱۳
- «واقعیت شیعه‌بودن» و اقتضانات هویتی ● ۱۱۹
- کتاب‌نامه ● ۱۲۷
- نمایه‌ها ● ۱۳۷

مقدمه

«خیابان ایر» نام خیابانی است در محله‌ای به همین نام، در جنوب شرقی تهران (منطقه‌ی ۱۳). خیابانی که از سه راه امین حضور آغاز شده و تا چهارراه آبسردار امتداد دارد و از دل محله‌ای می‌گذرد. در حاشیه‌ی فاصل خیابان‌های «مجاهدین اسلام» (شمال)، «امیرکبیر» (جنوب)، «هفده شهریور» و «رق» و «مردم» (غرب).

قدمت خیابان ایران، به میانه‌ی ۱۰۰۰ سالگی برمی‌گردد؛ به سال ۱۲۸۴ ق/ ۱۲۴۶ ش و زمانی که حصارهای دارالخلافه‌ی طهران، از هر طرف، کمی آن‌سو تر رفت و این خیابان در منطقه‌ای که پیش‌تر باغات حاشیه‌ی پایتخت محسوب می‌شد، محله‌ی تازه‌تأسیس را «دولت» و این خیابان را به نام «عین‌الدوله» - صراحتاً ناصرالدین‌شاه که منزل بزرگی در آن حوالی داشت - نامیدند. علاوه بر عین‌الدوله، رقبه‌ی گسترده‌ی بسیاری در این محله صاحب ملک و منزل بودند؛ نظیر مستوفی‌الممالک، امین‌السلطنه، عین‌الدوله، ظل‌السلطان و کامران میرزا. از همان زمان تا امروز، خیابان ایران محل زندگی بسیاری از مقامات کشوری، علما، روحانیون، بازاریان، هنرمندان و شخصیت‌های فرهنگی نامدار بوده است و در فهرست ساکنانش از سیاستمدارانی چون آیت‌الله خامنه‌ای و محمدعلی رجایی تا علمایی چون آیت‌الله عبدالکریم حق‌شناس و آیت‌الله مجتبی‌ی تهرانی و هنرمندانی چون فریدون مشیری و حسین تهرانی به چشم می‌خورد.



محله‌ی خیابان ایران، هویتی منحصر به فرد و شناخته شده دارد. تراکم بالای مراکز و مجامع مذهبی و فرهنگی (مساجد، هیئات، مؤسسات قرآنی و مدارس) این محله و با شش‌اعی گسترده‌تر منطقه‌ی پیرامونش را به قطب مذهبی - مناسکی پایتخت تبدیل کرده است. سکونت در این محله، ایده‌آل بسیاری از خانواده‌های مذهبی و سنتی در تهران بوده و هست. به همین دلیل، این محله به یکی از مناطق پرمقتاضی برای سکونت تبدیل شده و قیمت زمین و خانه در آن، تفاوت فاحشی با متوسط قیمت محلات و خیابان‌های هم‌جاور آن دارد. کم نبوده و نیستند خانواده‌های مذهبی که برای تنفس در این خیابان ایران، عطای سکونت در مناطق مرفه‌تر و با امکانات شهری بیش‌تر تهران را به لافش خشیده و با صرف هزینه‌ای چه بسا هم‌اندازه‌ی هزینه‌ی سکونت در محلات درونی قیمت‌الاشرف، در این محله ساکن شده‌اند. تراکم این خانواده‌ها که در دو سه دهه‌ی اخیر به سبب نزدیکی این محله به مراکز سیاسی نظام مانند مجلس افزایش داشته است، خیابان ایران را به یکی از سکونت‌گاه‌های طبقه‌ی بورژوازی مذهبی در تهران مبدل ساخته است؛ خانواده‌هایی نسبتاً مرفه با اتومبیل‌هایی گران قیمت و خانه‌هایی مجلل اما ساکن در یکی از محلات نسبتاً فقیر شهر به جهت تعلقات هویتی یا نوستالژیک.

علاوه بر هویت مذهبی، خیابان ایران هویت سیاسی خاصی هم دارد. در جریان تحولات سیاسی معاصر جایگاه مهمی داشته است. از جمله رخدادهایی مانند کشتار ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ در میدان «ژاله» («شهدای فعلی») و ترور سیدعلی اندرزگو در این محله به وقوع پیوسته‌اند. این محله همچنین در روزهای نخست پیروزی انقلاب، مرکز فرماندهی نظام جدید محسوب می‌شد و آیت‌الله خمینی و حلقه‌ی اصلی رهبران انقلاب در دو مدرسه‌ی پرآوازه‌ی این محله یعنی «علوی» و «رفاه» - از نسل نخستین مدارس مذهبی - مستقر بودند.



این هویت مذهبی - سیاسی منحصر به فرد، خیابان ایران را به دژی با دیوارهای نامریی اما مشخص تبدیل کرده است. تا چند سال پیش، عبور یک بانوی اصطلاحاً «بدحجاب» یا جوانی با سروشکل متفاوت از تیپ مذهبی از این محله، امر چندان متعارفی نبود. به طور نانوشته، ساکنان محله، به قواعدی هنجاری و رفتاری پایبندی نشان می‌دادند که دایره‌ای مضیق‌تر و سخت‌گیرانه‌تر از قواعد رسمی و عرفی حاکم بر جامعه را شامل می‌شد. و این محدودیت، نه تنها نقطه‌ی ضعف، بلکه برعکس امتیاز این محله و از لذایت‌های آن محسوب می‌شد. خیابان ایران، عرف و قانون خودش را داشت که با سازگاری مردمی و درون محله‌ای و بدون نیاز به حضور و دخالت نیروهای قهری و انتظامی، حکم می‌راند. عرف و قانونی که تأمین‌کننده‌ی مصونیت، آرامش و امنیت روانی ساکنان محله و نتیجه رضایت ایشان بود. این البته به معنای یکدست و بسیط بودن اهالی این محله نیست. در دل همین هویت مذهبی - سیاسی، کثرتی بود و هست که ایماژ بیرونی «خیابان ایرانی» (مدل مذهبی‌های سیاسی مدافع نظام) را به چالش می‌کشاند. خیابان ایران، چه قبل و چه بعد از انقلاب، مأمنی برای تقریباً همه‌ی گرایش‌های اصلی تشیع ایرانی بوده است. البته تبعاً نه به یک اندازه. از انقلابی‌های رادیکال تا انقلابی‌های میانه‌رو و از مذهبی‌های سنی به اصلاح تا به سیاست تا مذهبی‌های مخالف نظام در این محله سکنا دارند و هر گروه هم می‌تواند مجالس خود را در محله برگزار می‌کنند. یک همزیستی مسالمت‌آمیز که البته به بهانه سطوحی گرایش سیاسی بر فضاها، عمومی و غیبت دیگر گرایش‌ها از آن فراهم آمده است.



باهمه‌ی این اوصاف، در سال‌های اخیر، حتی خیابان ایران نیز از گزند امواج خروشان تغییرات فرهنگی - اجتماعی مصون نمانده است. زیر پوست قشر بورژوازی مذهبی خیابان ایرانی، در این سال‌ها، تغییرات فراوانی رخ داده که کم‌تر محل توجه

بوده است؛ تغییراتی که در کنج خانه‌ها و حجره‌ها رخ می‌داد و صدایشان تا خیابان نمی‌رسید. امروزه بروز آن تغییرات را در تفاوت سبک زندگی قشری از نسل‌های جوان‌تر ساکنان محله می‌توان دید. نسل جوان بورژوازی مذهبی گویا دیگر انگیزه‌ای برای پایبندی کامل به قیود هنجاری فوق‌العاده‌ی محله ندارد. برایش مهم نیست پیدای که در آن بزرگ شده، چه اندازه برای نسل قبلی اهمیت دارد و چه هزینه‌هایی صرف آن شده است.

تغییرات مهمی نیز به کمک این روند آمده است. به عنوان مثال از چند سال پیش، راه‌اندازی یک مرکز آموزش زبان انگلیسی، پای مخاطبان تازه‌ای را به خیابان ایران باز کرده است. این مرکز، که چند قدم پایین‌تر از «کبابی حاج عبدالله» و «دبیرستان علوی» و کمی آن‌سوراز «بیت‌الحسن» و خانه‌ی حاج محمد علامه (مداح مشهور) واقع شده، حکم اسب‌تروایی داشت که در قلب دژ خیابان ایران وارد شد. تردد سرخوشانه‌ی دختران و پسران زبان‌آموز - که البته همه‌شان لزوماً خیابان‌ایرانی نیستند - ایماژ سنتی خیابان را به چالش کشید.

این تغییرات طبعاً چندان خوشایند ساکنان محله نبود. اما ناراضیان ظاهراً به تجربه دریافته‌اند که دیگر نمی‌توانند حریف تغییرات شوند. گذشته است دوره‌ای که اگر یک خانواده‌ی غیرمقید به حجاب در کوچه‌ای از این محله ساکن می‌شد، اهالی کوچه، با فشار اجتماعی و حتی گاه با صرف هزینه‌ی مالی، آن خانواده را نامتجانس را مجبور به ترک محله می‌کردند. حالا حتی در خانه‌ی بسیاری از اهالی محله، فرزندان نامتجانس زندگی می‌کنند. ایماژ کلیشه‌ی خیابان ایران دیگر ترک برداشته است.

و این تنها سرگذشت خیابان ایران نیست. مشابه همین تغییرات را در سال‌های اخیر و در گستره‌ای وسیع‌تر، جامعه‌ی مذهبی ایران پس‌انقلابی تجربه کرده و می‌کند. به عبارت دیگر خیابان ایران یک وجه استعاری و نمادین دارد. نمونه‌ی کوچکی است از زیست جامعه‌ی مذهبی ایران تحت حاکمیت یک دولت دینی. یک زیست آمیخته با تناقضات درونی و بیرونی. یک زیست سامان‌گسیخته‌ی در معرض بحران.

*

«ساکن خیابان ایران»، تمثیلی از موقعیت دینداران در ایران پساانقلابی است. دیندارانی که در وضعیتی دوگانه، از سویی برخوردار از مواهب حکومت دینی شده‌اند و از سویی دیگر با مصائب و چالش‌های اختصاصی زیست دینی در چنین حکومتی دست به گریبان‌اند.

*

دغدغه‌ی من، به عنوان یک پژوهشگر مطالعات اجتماعی تشیع که خود به جامعه‌ی مذهبی حلق دارد - صد، شناسایی، فهم و تحلیل تغییرات دینداری در ایران معاصر است و در کتاب حاضر نوشیده‌ام مختصراً و با رویکرد انتقادی به برخی مسایل و چالش‌هایی که دیدگاه تشیع ایرانی، امروز و پس از گذشت چهار دهه از استقرار حکومت دینی، با آن‌ها مواجه است، بپردازم. نه مسایل نظری و تئوریک؛ بلکه مسایلی که مستقیماً با زندگی روزمره‌ی دینداران مرتبط است و سردرگمی در قبال آن‌ها، در سال‌های اخیر مشکلاتی را به‌ویژه برای نسل‌های جوان مذهبی پدید آورده و هزینه‌های زیست دینی را بالا برده است.

به نظر می‌رسد، در صورت استمرار این روند و چنانچه، تنظیم مناسبات نهاد دین و دولت، اصلاحات و بازاندیشی‌های مؤثری صورت نگیرد و جامعه‌ی مذهبی نتواند خود را از وابستگی به نظام سیاسی برهاند، آینده‌ای پرتلاطم و بی‌حاشیه، انتظار تشیع ایرانی خواهد بود.

۲۰۰۲

پاییز ۱۳۹۶